

حفظ میراث‌های هویتی

به‌نام خداوند بخشنده و مهربان

امیر کبیر، یکی از نمادهای هویتی ملت بزرگ ایران به خصوص در مبارزه با استعمار است. وی در دوره‌ی حیات خود در مناصب حکومتی، به ویژه در منصب صدراعظمی این ویژگی را بسیار برجسته نشان داد و دست استعمار روس و انگلیس را از منابع و منافع ایران با تدبیر کوتاه نمود و این رویکرد و مشی استقلال طلبانه و آزادی خواهانه او در تمام عملکرد و خدمات بزرگ، تحول آفرین و بنیادین وی دیده می‌شود:

۱. تأسیس دارالفنون و تحول در سیستم تعلیم و تربیت و تربیت نیروی انسانی متخصص داخلی
۲. تأسیس صنایع جدید و تحول در صنعت داخلی و توسعه کشاورزی
۳. تأسیس روزنامه وقایع اتفاقیه و توسعه گفتمان اطلاع‌رسانی عمومی
۴. اصلاح امور مالی و خزانه‌داری کشور
۵. ایجاد ساختار تخصصی در امور خارجه و توسعه روابط بین‌الملل با همه کشورها، متناسب با رعایت حقوق متقابل و منافع یکدیگر
۶. مبارزه با فساد و رانت و رشوه‌خواری و حذف عناوین و القاب دیوانی
۷. انتظام در امور عدلیه و ایجاد بسترهای قانونی برای حمایت از حقوق مردم و اقلیت‌ها
۸. ایجاد امنیت داخلی
۹. مبارزه با خرافات و فرقه‌های دست‌ساخته استعمار
۱۰. تقویت بنیه و ساختار نظامی ایران با اتکا به توان داخلی و ...

همه این اقدامات رویکرد اصلی تقویت اقتدار داخلی، استقلال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، حفظ تمامیت ارضی، وحدت و یکپارچگی ملی، ایجاد نظم و گفتمان قانون و علم در امور جاری کشور، متکی به توان ملی و داخلی است که قبل از آن سابقه نداشته است. البته هر یک از این اقدامات حالت الگویی و تأثیرگذار برای حرکت‌ها و جریان‌های توسعه‌ای بعدی در کشور داشته است. استعمارگران تحمل دیدن یک کشور قوی و قدرتمند و مستقل با ویژگی‌های منحصربه‌فرد در ابعاد مختلف مانند ایران را در منطقه نداشتند و با توطئه و عوامل نفوذی خود

این قهرمان ملی را به شهادت رساندند. حتی بعد از شهادت وی با سانسور برنامه‌ریزی شده تا مدت‌ها نام و یاد و آثار ماندگار ایشان را پنهان نگه داشتند و به جز بیان‌های کوتاهی از افرادی که امیر را می‌شناختند، نامی از امیر کبیر در اسناد تاریخی وجود نداشت و با انتقال جنازه ایشان به کربلا، عملاً مقبره‌ای و مکانی برای ذکر یاد و نامی از او باقی نماند. به نظر می‌رسد انتشار چند منبع مکتوب ذیل تأثیر زیادی بر احیای نام این قهرمان ملی داشت، به گونه‌ای که این منابع توانستند تا حدودی مانع از تحریف و انتشار جعلیاتی درباره منش، شخصیت، زحمات و تلاش‌های ملی امیر کبیر شوند و نیز مرجعی برای محققان و پژوهشگران آینده باشد:

۱. کتاب «امیر کبیر و ایران». نوشته: فریدون آدمیت، که در سال ۱۳۲۳-۲۴ چاپ و منتشر شد. این کتاب در واقع پایان‌نامه درسی و آموزشی فریدون آدمیت به راهنمایی استاد محمود محمود است. این اثر به روش تاریخی-تحلیلی و بر اساس اسناد و مدارک تنظیم شده و به قول خود مؤلف که می‌گوید: «روش من تحلیلی و انتقادی است ... در سراسر کتاب سخنی نگفتم که مستند نباشد و سندی ندارم که معتبر نباشد». این کتاب در چاپ‌های اخیر توسط انتشارات خوارزمی چاپ و منتشر شده است.

۲. کتاب «زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر» به قلم حسین مکی با مقدمه هاشمی حائری است که در سال ۱۳۲۳ توسط انتشارات ایران چاپ و منتشر شده است.

۳. کتاب «میرزا تقی خان امیر کبیر» که توسط ایرج افشار از مجموعه فیش‌های گردآوری شده توسط اقبال آشتیانی تهیه، تنظیم و تدوین و در سال ۱۳۴۰ منتشر شده است.

۴. اخیراً هم کتابی با نام اسناد و نامه‌های امیر کبیر توسط سید علی آل داوود گردآوری شده است و به کوشش نشر تاریخ در سال ۱۳۹۶ چاپ و منتشر شده است.

گاهی در بعضی از رسانه‌های خارجی دارای گرایش‌های سیاسی و مشکوک مواردی را به امیر منسوب می‌کنند که به نظر می‌رسد تحریف و جعلیاتی است که به قصد خدشه‌دار کردن این نماد ملی و هویتی ما است. ثبت، آرایه مقالات و اسناد معتبر در مجلات و رسانه‌های معتبر می‌تواند تا حدود زیادی فضا را شفاف و روشن کند و حقایق را مشخص نماید. ثبت و ضبط وقایع و پدیده‌های تاریخی و آرایه اسناد معتبر از اهداف فصلنامه گنجینه دارالفنون به عنوان یک رسالت علمی-تاریخی و رسانه‌ای است تا بتواند در حفظ میراث‌های ارزشمند و ماندگار هویتی کشورمان تا حدودی مؤثر باشد. در این شماره همانند شماره‌های قبل مقالاتی در معرفی شخصیت امیر کبیر و تاریخ تعلیم و تربیت تهیه و تقدیم می‌شود. امید است بتوانیم تا حدودی این جعلیات روشن و بعضی از شبهات زدوده شود.

غلامرضا حمیدزاده*

*E-mail: gdarulfunun@gmail.com